

## تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله های مسکونی شهری

سید مازیار مظلومی: دانشجوی دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، فارس، ایران

### چکیده

عملکردگرایی دیدگاه‌های مدرنیستی توسعه، انسان و شهر و معماری را از معنا بیگانه و از حس تهی ساخته، و با تولید انبوه فضاهای بی هویت و بی معنا انسان را در بی مکانی Placelessness و بی هویتی رها کرده اند. الگوهای توسعه شهری پایدار، از یک زاویه پاسخی به بی تفاوتی های خسارت بار نسبت به هویت و تاریخ و حس و روح در دیدگاه های مدرنیستی توسعه نیز تلقی می شوند. هدف پژوهش های مکان محور در بافت های شهری، فرا تر از راستی آزمایی فرضیات دانش روابط انسان و محیط در زمینه و بستری ایده آل، از حیث فراهم بودن تعاملات روزمره انسان و اجتماع و کالبد و معنا، مطالعاتی مستقر بر روابط وثیق حس مکان و رفتارهای مشارکت جویانه شهروندان در فرآیندهای توسعه شهری پایدار بوده است. این مقاله، برگرفته از پژوهشی مبنایی و تبیینی Explanatory research در بعد پذیرش حس مکان و تطبیق مدل های نگرشی Attitudinal ارزیابی و سنجش حس مکان با ویژگی های محیط و بافت محله های مسکونی شهری است. مطالعه پیش رو در تحلیل ساختار سنجش و ارزیابی آن ابعاد در چنان زمینه و بافتی نیز کوشش داشته است. این پژوهش، همچنین با مطالعه تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی، به ارائه شاخص ها و معیارهای ارزیابی کیفیت ادراکات و تصورات ذهنی شهروندان و نیز ارائه مدل تحلیلی تأثیرسنجی ابعاد مؤلفه های حس مکان از عوامل ذهنی در محیط محله های مسکونی شهری پرداخته است.

واژه های کلیدی: حس مکان، محله های مسکونی شهری، ادراکات ذهنی، ابعاد حس مکان، نگرش

## ۱- مقدمه

## ۱-۱ طرح مسأله

بحران هویت در شهر های امروز ما منتج از منها کردن معنا و حس، روح در برآوردهای منحصرأ مادی قرن بیستمی توسعه است. برآوردهایی که سبب شده اند راههای ارتباطی بیشتر، ارتباطات کمتر و بی کیفیت تر تولید کنند؛ و شهرهای بزرگتر، انسانهایی با خاطرات و تجربیات حسی محدودتر بیافرینند. فقدان حس و معنا علاوه بر نمایش تغییرات اساسی پارادایم در فرم شهر، مؤید دگرگونی شیوه ادراک انسانها از پیوستگی با مکان نیز هست (پرتوی، ۱۳۸۲).

از سویی دیگر، مطالعات مکان محور و پژوهشهای حس مکان، سهم بزرگی در عمق بخشیدن به دانش ارتباطات انسان و محیط ایفا کرده اند. جهدهای تئوریک در بسط معنای "مکان" به آنجا نیز رسیده است که انسان بودن نیز به معنای زیست در جهانی مملو از مکانها دانسته شده است (Relph, 1976). این مطالعات اینک با گذشت بیش از سه دهه، دارای یک بدنه تئوریک رو به رشد و ترمینولوژی مفاهیم مخصوص به خود شده؛ و در چهارچوبها و نظام مندی های روانشناسی محیط<sup>۱</sup>، اکولوژی انسانی<sup>۲</sup> و جامعه شناسی شهری نیز محدود نمانده اند.

اگر از رویکردهای انتقادی در پژوهشهای مکان محور عبور کنیم، مطالعات در حوزه مکان، در یک دسته بندی کلی و فارغ از ارتباطات با نظامهای متعدد علمی، به رویکردهای پدیدارشناسانه<sup>۳</sup> و اثبات گرا<sup>۴</sup> دسته بندی شده اند (Lalli, 1992). پدیدارشناسی

مکان، مبتنی بر فلسفه هوسرل<sup>۵</sup> و عمدتاً متوجه مفاهیم زیست-جهان<sup>۶</sup> و مکان و ارتباط وثیق آنها با انسان بوده است. بخش اعظم پژوهش های مکانی متأثر از این رویکرد هستند (پرتوی، ۱۳۸۲) و رویکردهای اثبات گرا که کوشش داشته اند با تکیه بر ذات تحلیلی خود مفاهیم مکان محور را از تجربه های شخصی خارج کنند و تعمیم ببخشند؛ در اقلیت واقع شده اند. مفهوم کلی "حس مکان" در هر دو رویکرد مورد اشاره در موازات طیفی از مفاهیم مشابه هم قرار می گیرد که توسط پژوهشهای مختلف تبیین شده اند: مکان دوستی<sup>۷</sup> (Tuan, 1977)، شخصیت مکان<sup>۸</sup> (Porshansky, 1983)، ریشه داری<sup>۹</sup> (Chawla, 1992) و هم ذات پنداری بامکان<sup>۱۰</sup> (Burdge, 1972) از مهمترین آنها هستند. با مطالعه پژوهشها و کوششهای همراستا با هر کدام، در می یابیم که ترجیح به استفاده از واژه های مختلف برای مفهوم هایی به ظاهر مشابه، قدری فراتر از تفاوت های لفظی، و مبتنی بر تعاریف نسبتاً متفاوت از ماهیت رابطه انسان و مکان است.

بر این اساس، پژوهش های انسانی-مکانی، دچار حد قابل تأملی از عدم تطابق در برخی مبانی هستند؛ واقعتی که تاثیرات مستقیمی برناهمگونی ساختارهای ارزیابی و حتی ترمینولوژی و تعاریف مفاهیم پایه ای آنها داشته است. این عدم توافق که گاهی ناشی از تفاوت در تعاریف مبنایی، تنوع در روش شناسی ها و نیز فقدان راستی آزمایی پیش

<sup>5</sup> EDMUND HUSSERL

<sup>6</sup> زیست-جهان در واقع اشاره ای است به جریان روزمره Life-world

زندگی که مردم عمدتاً ناخودآگاهانه و بدون تأمل در جریان آن قرار می گیرند.

<sup>7</sup> Topophilia

<sup>8</sup> Place identity

<sup>9</sup> Rootedness

<sup>10</sup> Place identification

<sup>1</sup> Environment psychology

<sup>2</sup> Human ecology

<sup>3</sup> Phenomenological

<sup>4</sup> Positivistic

شهروندان را فراهم می آورد. در واقع، ضرورت این پژوهش در تبیین مبانی نظری مدل های ارزیابی و سنجشی است که با توجه به امکان آزمون پذیری و کاربرد در بافتهای مشابه و همچنین با نظر به مبانی نظری قابل اتکا و ساختارهای منعطف، مدخل مناسبی برای وحدت رویه در ارزیابی و سنجش حس مکان در بافت های شهری هستند.

### ۱-۳- اهداف مقاله

هدف اساسی این پژوهش، تبیین بعد پذیری و ارائه مدل ارزیابی و سنجش ابعاد حس مکان در بافت محله های مسکونی شهری است. همچنین تبیین تأثیر پذیری آن ابعاد از ادراکات ذهنی شهروندان، و نیز ارائه مدلی تحلیلی برای تأثیرسنجی ابعاد حس مکان از ادراکات و تصاویر ذهنی نیز اهداف دیگر این مطالعه را شکل داده اند.

### ۱-۴- پیشینه پژوهش

مطالعات و ارزیابی های مکانی، علاوه بر آنکه زیرعناوین مختلفی صورت گرفته اند، مشتمل بر تنوع درخور توجهی از روشهای ارزیابی کیفی و کمی بر اساس تعاریف مختلف از مکان و روابط انسان و مکان نیز بوده اند. محدوده و زمینه های این مطالعات نیز از خانه ها و پارکها و خوابگاه های دانشجویی تا محدوده یک شهر و منطقه متغیر هستند. در میان آن دسته از مطالعات که رویکردهایی مبتنی بر سنجش و ارزیابی به حس مکان داشته اند، تعداد بیشتری تنها به کاربرد مدلهای تبیین شده برای این ارزیابی در بافتهای زمینه های مختلف و ارتباط سنجی آنها با متغیر های عمدتاً رفتاری پرداخته اند؛ و در این میان، مطالعات

فرضها در بخش بزرگی از این مطالعات دانسته شده است، (Stedman, 2002) مهمترین تأثیر خود را بر نا پیوستگی تئوریک این مطالعات گذاشته است. گاهی مطالعات حس مکان در رویکردهایی عمدتاً ذهنی، مبنای ارزیابی هایی غالباً کیفی شده اند که کمتر دارای قابلیت آزمون و قیاس پذیری در بافت های مختلف را فراهم می کنند.

### ۱-۲- اهمیت و ضرورت موضوع

اهمیت مطالعات مکان محور از حیث نتایج مهمی است که تحقق و بسط حس مکان در هماهنگی فرد و محیط، بهره برداری بهتر از محیط و نیز رضایتمندی و احساس تعلق نسبت به محیط دارد (فلاح، ۱۳۸۵). نتایجی که به بروز رفتارهای مسوولانه و متعهدانه افراد نسبت به محیط خواهد انجامید، و اهمیت پژوهشهای مکان محور در بافتهای شهری، بر اساس ارتباطات وثیقی است که بین حس مکان و احساس تعلق به مکان از سویی و رفتارهای مشارکت جویانه شهروندان در فرآیندهای توسعه پایدار و ارتقا و بهبود شرایط زیستی و سکونتی گزارش شده است (Uzzel, 2002).

ویژگی خاص این پژوهش نیز در کوشش برای ارائه و تبیین مدلی تحلیلی مبتنی بر رویکردهای عینی، برای سنجش و ارزیابی حس مکان است. این مدل تحلیلی از آن روی اهمیت می یابد که به مطالعات ارزیابی و سنجش حس مکان در بافت های مسکونی متفاوت و در زمان های مختلف، امکان وقوع بر پایه هایی قابل قیاس و مطابقت و راستی آزمایی می دهد؛ و نیز قابلیت ارتباط سنجی موثقی بین ارزیابی های حس مکان و ترجیحات رفتاری و نیز ادراکات ذهنی

برای مکان، نسبت مستقیم و معنا داری با بالا رفتن سطح حس تعلق به مکان دارد.

جرارد کایل و همکاران در مطالعه‌ای به تأثیر ابعاد دل‌بستگی به مکان در یک محیط تفریحی و کوه‌پیمایی و تناسب آن با ادراک شرایط محیطی و اجتماعی آن محیط از سوی کوه‌پیمایان پرداخته‌اند (Kyle, 2004). فلیپ ادواردز نیز در مطالعه کتابخانه عمومی مرکزی سیاتل، به مثابه مکانی اجتماعی به بررسی ارزیابی استفاده‌کنندگان از کتابخانه به مثابه ساختار فیزیکی، محیط اجتماعی و مکان اطلاع‌رسانی برای ارزیابی کیفی حس مکان در آن محیط پرداخته است (Fisher, 2007). الیزابت بروکاتو در مطالعه‌ای در ارائه مدل تحلیل ارزیابی تأثیرات عوامل ادراک عمومی (از طراحی کالبدی، عوامل محیطی، شرایط کارکنان، کیفیت سرویس دهی و رضایتمندی) بر ابعاد حس تعلق به مکان در محیط‌های خدماتی کوشش نموده است. (Brocato, 2006) (فلاح، ۱۳۸۴) و حبیبی در مطالعه‌ای با تکیه بر رویکردهای ذهنی و نیز مطالعه مورد پژوهی در خیابان نیاوران تهران، در بررسی روابط تصاویر ذهنی، خاطرات و نقش کالبد فیزیکی در تحقق و بسط هویت و معنا و حس مکان در بافتهای شهری کوشش کرده است (حبیبی، ۱۳۸۷)

به رغم مطالعات درخور توجه ارزیابی مفاهیم مکانی، در بافتها و زمینه‌های مختلف که به برخی از آنها اشاراتی شد، جای خالی پژوهش‌هایی که در ارائه مدل سنجش و ارزیابی حس مکان در بافت محله‌های مسکونی شهرکوشش داشته باشند و به مطالعه

چندی نیز در صدد ابداع، تبیین و اعتبار سنجی مدل‌های ارزیابی حس مکان برآمده‌اند.

از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش تعلق به مکان سینتا لو اشاره کرد (Low, 1992). دیدگاه این مطالعه بر حس تعلق به مکان عمدتاً فرهنگی و بازگوکننده کیفیت انتساب معانی نمادین (اجتماعی، سیاسی، تاریخی، عاطفی و حتی اقتصادی) به یک محیط فیزیکی است. روش کیفی این مطالعه منتج به معرفی اسباب ششگانه ارتباطات نمادین بین مردم و مکان شده است. این روابط شامل ارتباطات تبارشناسانه<sup>۱</sup>، ارتباط به سبب از دست رفتن مأوا، ارتباط اقتصادی، ارتباط اسطوره‌ای، رابطه مذهبی و در آخر ارتباط روایی می‌شود؛ که هر یک به ایجاد حس تعلق به مکان، از طریق برقراری یک رابطه سمبلیک با محیط می‌انجامد.

در مطالعه دیگری، یک مدل ارزیابی چهار سطحی حس مکان ارائه شده است (Shamai, 1991). این پژوهش، چهار سطح حس مکان را از فقدان حس مکان تا حس تعهد نسبت به مکان برمی‌شمارد. از پاسخگویان خواسته شده بود تا جایگاه خود را بر اساس سطح ارتباطی که با مکان مورد مطالعه احساس می‌کردند، انتخاب کنند. این پژوهش تنوع معنی داری از تمایلات رفتاری و جهت‌گیری‌های احساسی را بر اساس سطوح مختلف حس مکان گزارش کرده است. برای نمونه، افرادی که فاقد حس مکان نسبت به محیط مورد مطالعه بودند، حاضر به قربانی کردن ترجیحات و خواسته‌های فردی خود برای اهداف مکان نبودند. مطابق با نتایج این مطالعه، افزایش سطح تمایل رفتاری در جامعه آماری به سمت فداکاری

<sup>1</sup> Genealogical

### ۱-۶- روش تحقیق و مراحل آن

این مطالعه مبتنی بر جستجو و مطالعه و تحلیل ادبیات پژوهش های مکانی و شهری برای تبیین مدل ارزیابی متناسبی برای حس مکان در بافت محله های مسکونی شهری است؛ واز آنجا که هرگونه مطالعه علمی "مکان" محور باید بر مبانی نظری شفاف، ترمینولوژی تعریف شده و روش شناسی معتبر استوار باشد؛ و برگردان اصطلاحات به زبان فارسی، در حالی که هنوز توافقی بر واژه های اصلی در پژوهش ها حاصل نشده است، لزوم چنین دقتی را مضاعف می کند؛ نقطه عزیمت مباحث را بر تعریف مفاهیم بنیادین مکانی قرار داده است.

این پژوهش با جستاری در ساختارهای ارزیابی حس مکان، تعابیر مستقر بر فرآیندهای ارزیابی نگرش را (به عنوان مبنای ساختارهایی تثبیت شده تر) برای ارزیابی و سنجش حس مکان مورد بررسی خاص قرار می دهد؛ و ضمن تبیین بعد پذیرش حس مکان در محیط محله های مسکونی شهری، به ارائه مدل تحلیلی متناسبی با شرایط زمینه ای آن محیطها در ارزیابی ابعاد حس مکان می پردازد. از سویی دیگر نیز، با تفکیک مهمترین عوامل تأثیرگذار بر ابعاد حس مکان به عوامل ذهنی و ویژگی های فردی، به تعریف شاخص ها و معیار های ارزیابی این تأثیرات و نیز ارائه مدل تحلیلی ارزیابی و تأثیر سنجی ابعاد حس مکان از آن عوامل پرداخته خواهد شد.

### ۱-۷- معرفی متغیرها و شاخص ها

معنایی که در این مقاله از مکان اختیار می کنیم، به خاص بودن مفهوم مکان در مقابل مفهوم عام وانتزاعی تر فضا و در هم تنیدگی مکان با ارزشهای

تحلیلی عوامل مؤثر بر آن پردازند، کاملاً محسوس است؛ هرچند که مطالعات درخور توجهی در پی ارزیابی حس مکان در محیط هایی (معمولاً) تفریحی و به تعبیر اولدنبرگ مکان های سوم<sup>۱</sup> (Oldenburge, 1999)، بوده اند.

### ۱-۵- سؤال ها و فرضیه ها

در زمینه این مطالعه پرسشهای متعددی مطرح است، از جمله:

- بعد پذیری حس مکان و مبانی سنجش و ارزیابی مؤلفه های آن، بر چه مبانی نظری استوار است؟
- کیفیت ادراکات و تصاویر ذهنی شهروندان با ابعاد و مؤلفه های حس مکان چگونه نسبتی دارند؟
- چگونه در یک مدل تحلیلی قابلیت تأثیر سنجی ابعاد حس مکان از مؤلفه های ادراکات ذهنی فراهم می شود؟
- به همین ترتیب، فرضیات این مطالعه نیز شامل موارد زیر است:
- برخوردار بودن حس مکان از ماهیتی چند بعدی؛
- امکان پذیر بودن سنجش آن ابعاد با انطباق روشهای ارزیابی نگرشی و نظریه های قضاوت اجتماعی با شرایط محیطی بافت محله های مسکونی؛
- اثرگزاری ادراکات و تصورات ذهنی شهروندان بر ابعاد حس مکان در بافت محله های مسکونی.

<sup>۱</sup> این مفهوم اشاره به تنوعی از مکان ها دارد که افراد Third place<sup>۱</sup> هنگامی که در محل کار یا منزل نیستند، در آن مکان ها حضور می یابند.

یک کلام تخصیص هویت به مکان است. از سویی دیگر، با توصیف "مکان" با مفاهیم امنیت و پایداری، "فضا" در مقابل متّصف به باز و رها بودن و عدم ثبات است. نوربرگ شولتز<sup>۲</sup> در پژوهشهای خود که در حد قابل توجهی متأثر از فلسفه هیدگر<sup>۳</sup> است، به تفاوت های ماهوی و بنیادین مکان و فضا و راه یافتن آن حتی به زبان روزمره اشاره می‌کند. اشاره او به این است که در محاورات روزمره، در حالی که مکانها را با اسامی مثل میدان، مدرسه و مجتمع و شهر مشخص می‌کنیم، از فضاها به عنوان ارتباط های تپولوژیک، مانند قبل و بعد و زیر و روی یاد می‌کنیم. ماهیت فضا از دید توآن نیز (Tuan, 1977) با حرکت، و ماهیت مکان با توقف و مکث همراه است. او هر مکث را سبب امکان پذیری و احتمال تبدیل یک فضا به مکان می‌داند و فضا را به عنوان مجال جابه جایی بین مکان ها معرفی می‌کند. در واقع، مکان جزیی تعریف شده از فضای عام و تعریف نشده است، که در ارتباطات مشخصی با انسان و درک و عاطفه و تجربه او شکل می‌گیرد.

مکان به مثابه یک مرکز معنا و یک حوزه توجه معرفی شده است (Tuan, 1977)؛ که بر تجربیات انسانی، روابط اجتماعی، عواطف و شناخت مستقر است. مرسومترین تعاریف نیز مکان را برآیند مؤلفه های کالبد فیزیکی، فعالیت های انسان و فرآیندهای اجتماعی و روانی معطوف به کالبد فیزیکی معرفی می‌کنند (Relph, 1977). مکان در تعبیر روشنتری از کانتر نیز، به عنوان یک واحد تجربه محیطی و منتج از رابطه بین "فعالیت ها" Conceptions، "ادراکات" Physical

انسانی اشاره دارد (فلاح، ۱۳۸۵). مکان را به مثابه یک اینجای حقیقی (پرتوی، ۱۳۸۲) و جایی که ادراکی کامل از هستی و بودن خود داشته باشیم (حیبی، ۱۳۸۶) تعبیر می‌کنیم.

در بحث مدل سنجش و ارزیابی حس مکان نیز به مفهوم نگرش در دانش قضاوت اجتماعی تکیه خواهیم کرد. نگرش به طور خلاصه، به مثابه پاسخی به یک محرک یا پدیده بیرونی تعریف شده است (Fishbein, 1975). در تعبیر کاربردی تری، نگرش را به مثابه ارزیابی یا برآورد مطلوب یا نامطلوبی که درباره شی، فرد و محیط صورت می‌گیرد، تعریف می‌کنیم.

تعبیری که از ادراک<sup>۱</sup> در تأثیر سنجی مؤلفه های آن بر ابعاد حس مکان در محیط محله های مسکونی شهری اختیار می‌کنیم، به تجربه حسی انسان از محیط پیرامونی او اشاره دارد: ادراک را به مثابه فرایند ذهنی یا روانی تعبیر می‌کنیم که گزینش و سازمان‌دهی اطلاعات حسی و معنی بخشی به آنها را به گونه‌ای فعال به عهده دارد. به عبارت دیگر، پدیده درک یا همان ادراک فرایند معنا بخشی به تجربه های حسی ست (ایروانی، ۱۳۸۱: ۱۰)

## ۲- مفاهیم، دیدگاهها و مبانی نظری

### ۲-۱- مکان به مثابه یک مرکز معنا

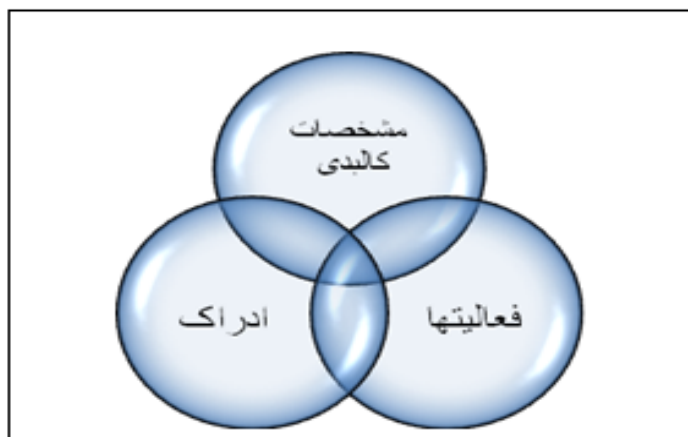
با تکیه بر تعاریف پدیدارشناسانه، می‌توان مدعی خاص بودن ماهیت "مکان" در برابر مفهوم عامتر "فضا" شد؛ خاصیتی که ناشی از انتساب معنا، بروز تعاملات اجتماعی، در هم تنیدگی با خاطرات و در

<sup>2</sup> Christian Norberg-schulz

<sup>3</sup> Martin Heidegger

<sup>1</sup> Perception

attributes و "مشخصات کالبدی" تعریف شده است (Canter, 1977).



شکل شماره ۱- ساختار سه مؤلفه ای مکان کانتز (اقتباس از فلاح، ۱۳۸۴)

و ذهنیت گرای حس مکان، گرچه بسیار شفاف و محکم بیان شده اند، اما از سوی منتقدان به قطعی دانستن فرضیات به رغم قابل آزمایش بودن و نیز حس در ذهنیت و تجربه فردی و عدم قابلیت تعمیم پذیری متهم شده اند.

در مقابل رویکردهای اثباتگرا که عمدتاً به رفتار شناسان محیطی منتسب شده اند، با به آزمون گذاشتن فرضیات سنتی و نیز با روشهای کمی و متغیرهای قابل سنجش و اندازه پذیر شناخته شده اند. هر چند منتقدان رویکردهای اثبات گرایانه در نقد آن می گویند که نمی توان حس مکان را به ترجیحات رفتاری و تأثیرات حسی و تعلقات عاطفی و شناخت های منطقی یا سمبلیک تقلیل داد، اما به نظر می رسد این رویکردها با تجزیه حس مکان به ابعاد و مؤلفه های آن در آزمودن پیش فرضها و اعتبار و عمومیت بخشیدن به مفاهیم آن تا حد زیادی موفق بوده اند.

آنچه در خصوص ماهیت مکان مورد تأکید است، جدای از تفاوت ماهوی با مفهوم فضا، رابطه وثیق آن با مفاهیم انسانی و ادراکات و تجربیات و تعاملات اجتماعی و از سویی، اتفاق نظر بر ماهیت چند بعدی و فهم کلی نگرانه از "مکان" است.

## ۲-۲- مطالعات حس مکان

رویکردهای پدیدارشناسانه به مکان و حس مکان با گزاره های محکم و روشنی یادآوری می شوند که در پی شناساندن ماهیت حس مکان "بر حیث التفاتی عمدتاً ناخودآگاهانه که مکان ها را به مثابه مراکز پرمحتوا و عمیق از وجود بشری تعریف می کنند" (پرتوی، ۱۳۸۲) بوده اند. مطالعات مبتنی بر این رویکردها، طول و عرض تجربه در محیط، تحرکات و تعاملات اجتماعی، یا امثال آنها را دستمایه ارائه تعاریف حس مکان قرار داده اند. تعابیر پدیدارشناختی

## ۲-۳- حس مکان مبتنی بر نظریه های نگرش

در سالهای اخیر مطالعاتی در جهت ارائه یک نظام سنجش و ارزیابی معتبر حس مکان و تعلقات انسانی- مکانی انجام گرفته است. این تلاشها عموماً سعی در ترجمان مفاهیم و ابعاد حس مکان به مفاهیم متناظر در پژوهشها و دانش های مرتبطی دارند که نظام ترمنولوژی و سیستم ارزشیابی تثبیت شده تر و متقن تری برای متغیرها ارائه کنند.

از جمله، نظریه های قضاوت اجتماعی<sup>۱</sup>، با توجه به نظام ارتباطات روشن و مورد اتفاق نظر، بین متغیرها و همین طور وجود پرسش های مورد آزمون قرار گرفته و تثبیت شده برای پرسشنامه ها، مبنای برخی از این مطالعات واقع شده اند. نقطه اشتراک این پژوهشها اتکا به مفهوم "نگرش"<sup>۲</sup> است. ماهیت سه بعدی نگرش برای پژوهشگران حوزه روانشناسی اجتماعی آشناست. احساس و ارزیابی های مبتنی بر احساسات از یک موضوع بیانگر بعد عاطفی؛ فهم و باور فرد در خصوص یک موضوع شکل دهنده بعد شناختی؛ و تمایلات رفتاری در حضور یک موضوع معرف بعد رفتاری نگرش هستند (Fishbein, 1975).

برای کاربرد در مطالعات حس مکان، "مکان" مشخصاً به عنوان یک موضوع نگرش در نظر گرفته می شود (Jorgensen, 2001)؛ و این طیف از مطالعات روی ابعاد شکل دهنده حس مکان؛ یعنی

دلبستگی به مکان، شخصیت مکان و وابستگی به مکان<sup>۳</sup> به عنوان مؤلفه های متناظر با ابعاد شناختی<sup>۴</sup>، عاطفی<sup>۵</sup> و رفتاری<sup>۶</sup> نگرش تعمق دارند.

حس مکان اغلب به عنوان ظرف و دربرگیرنده سایر مفاهیم دانسته شده است (Shamai, 1991)، اما به نظر می رسد که اختلافات از اینجا پررنگ تر و اساسی تر می شوند که وحدت رویه ای حتی در بین این پژوهشگران در ساختار مدل های سنجش، و نیز کلی و جزئی بودن مفاهیم به چشم نمی خورد.

در یکی از مهمترین تفاوتها از لحاظ شکلی، مفهوم دلبستگی به مکان، گاهی به عنوان ظرف مفاهیم و شاخص اصلی کیفیت رابطه انسان و مکان تعریف شده است؛ و دیگر مفاهیم (شخصیت مکان و وابستگی به مکان) به عنوان مؤلفه ها و ابعاد و زیر مجموعه های آن در نظر گرفته می شوند (Williams, 1989) و در مقابل، گاهی دلبستگی به مکان هم عرض با دو مؤلفه دیگر و ذیل مفهوم کلی حس مکان مورد بحث قرار می گیرد؛ و تنها منعکس کننده بعد عاطفی روابط انسان و مکان است، نه کلیت آن (Jorgensen & Stedman, 2001).

باید توجه داشت که در نظام دو مؤلفه ای دلبستگی به مکان نظیر پژوهش ویلیامز، موارد مورد ارزیابی برای شخصیت مکان، شامل مؤلفه های مربوط به شخصیت مکان، به علاوه دلبستگی به مکان در نظام سه بعدی حس مکان یورگنسن و استدمن است؛ و این

<sup>3</sup> Place dependence

<sup>4</sup> Cognitive

<sup>5</sup> Affective

<sup>6</sup> Conative/ Behavioral

<sup>1</sup> Social judgment theory

<sup>2</sup> گاهی واژه "بازخورد" را برگردان بهتری دانسته اند -Attitude



سکونت و اشتغال ۷۰۰-۱۲۵۰ خانوار (در حدود ۶۲۵۰-۳۵۰۰ نفر) با دامنه نوسان شعاع دسترسی پیاده ۴ تا ۵ دقیقه تعریف می شود.

اما بدون در نظر گرفتن حساسیتهای تعاریف کالبدی حدود محله، می توان به حدود ذهنی و ادراکی که منطبق با ادراک و تصور عمومی شهروندان شکل می گیرد، استناد نمود. تصور و درک عمومی از حدود یک محله شهری، می تواند شامل کلیت یا بخشی از یک بافت شهری، یا محدوده ذهنی شکل یافته در اطراف یک مکان مذهبی و تاریخی، و یا هر جزئی از بافت شهری باشد که شهروندان به دلایلی احساس نوعی پیوستگی و تداوم در ماهیت اجزای آن دارند.

### ۳-۱-۱- شخصیت مکان

شخصیت مکان، به مؤلفه ای اشاره دارد که (تحت نفوذ الگوی ارتباطات پیچیده ای از ایده آل ها، اعتقادات، ترجیحات، احساسات، ارزشها، گرایشهای رفتاری آگاهانه یا ناخودآگاه) هویت افراد را در رابطه با یک محیط فیزیکی تبیین می کند (Porshansky, 1978). بنابراین، شخصیت مکان به بعدی از رابطه انسان-مکان اشاره دارد که امکان بروز و تأکید هویت را برای افراد فراهم می آورد. شخصیت مکان در محیط یک محله شهری رابازتابی از باورها و جنس شناختی تعبیر می کنیم که فرد از محیط محله سکونت خود دارد.

ارزیابی و سنجش شخصیت مکان در محله های مسکونی می تواند در برگزیده داوریهها نسبت به

یکی از نقاطی است که طرفداران نظام سه مؤلفه ای حس مکان، از نظام دو مؤلفه ای یاد شده را به سبب حد قابل توجهی از همپوشانی مفاهیم و از این رو مبهم و غیر شفاف بودن تأثیرات مؤلفه ها بر مفهوم کلی، انتقاد می کنند. هرچند، برخی پژوهشگران همه آن ساختارهای چند مؤلفه ای یاد شده را، وابسته به محیطها و زمینه های مختلف، کارآمد و معتبر شمرده اند؛ و برای نمونه سیستم سه مؤلفه ای حس مکان را مناسب ارزیابی در بافتها و محیطهایی با زمینه های تاریخی، مذهبی و روایی قابل ملاحظه می دانند؛ و برای سنجش دل بستگی به مکان در یک محیط تفریحی و کوه پیمایی، مدل دو بعدی ویلامز را مناسبتر می دانند (Kyle & Graefe, 2004).

### ۳- تجزیه و تحلیل

#### ۳-۱-۱- ابعاد حس مکان در محله های مسکونی

پیش از تطبیق دادن مفاهیم نگرشی حس مکان با شرایط زمینه ای بافت مورد مطالعه، لازم است محدوده فیزیکی زمینه پژوهش مشخص شده باشد. از اصطلاح "محله" چند نوع تعبیر امکان پذیر است؛ و حدود محله از دیدگاههای مختلفی قابل تعریف دانسته شده است. این دیدگاهها متنوع و به طور کلی متفاوتند. برای مثال، می توان دو اصطلاح Neighbourhood و Township را به منزله مفهوم محله ترجمه کرد، در حالی که جمعیت آنها به ترتیب برای ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر و ۱۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ نفر متغیر است (عزیزی، ۱۳۸۵) و در ایران نیز، محله کالبد

تعاملات اجتماعی نیز امکانپذیر است (Hidalgo, 2001).

### ۳-۱-۳- وابستگی به مکان

وابستگی به مکان ناظر به نظرداشتهایی است که یک محیط فیزیکی تا چه اندازه و به چه کیفیتی می‌تواند امکانات دستیابی به اهداف رفتاری افراد را در قیاس با آلترناتیوهای ممکن و در دسترس تأمین کند (Jorgensen & Stedman, 2001). بنابراین، یک مکان می‌تواند به سبب ارزشهای عملکردی هم برای افراد اهمیت و وابستگی ایجاد کند. وابستگی مکانی به محیط یک محله مسکونی شهری نیز به مؤلفه رفتاری در دیدگاههای نگرشی حس مکان اشاره می‌کند؛ و به ارزیابی مثبت ساکنان از توفیق و امکانات عملکردی یک محله مسکونی در رابطه با ترجیحات رفتاری فرد در آن محیط نسبت به انتخاب‌ها و آلترناتیوهای در دسترس دیگر تعلق می‌گیرد.

### ۳-۲- ساختار سنجش

ابزار گردآوری داده‌ها در ساختاراین ارزیابی‌ها، معمولاً پرسشنامه‌هایی هستند که در یک سیستم پنج یا هفت نقطه‌ای لیکرت، از پاسخگویان می‌خواهند تا گزاره‌های مختلفی را از "کاملاً موافقم" تا "کاملاً مخالفم" یا "کاملاً مورد علاقه" تا "کاملاً بی‌علاقه" مورد داوری قرار دهند. البته، در مدل سنجش لیکرت با تعداد نقاط فرد، نقطه‌ای نیز به منطقه خنثی یا "نظری ندارم" اختصاص می‌یابد. گزاره‌های مورد داوری مختص ارزیابی هر مؤلفه حس مکان جداگانه تنظیم می‌شوند. (در فرض دیاگرام ساختارهایی که در پی

مفاهیم اساسی مدل فرآیند شخصیت بریکول؛ یعنی تفاوت<sup>۱</sup>، تداوم<sup>۲</sup>، عزت نفس<sup>۳</sup> و خود کارایی(خود کارآمدی)<sup>۴</sup> باشد. (Breakwell, 1992) تفاوت اشاره ای به میل به یگانه و متفاوت بودن است؛ تداوم به تمایل به حفظ هویت در طی مکان و طول زمان دلالت می‌کند؛ و عزت نفس در اینجا تعبیری است از حس خوشایندی که فرد از انتساب به یک گروه یا یک محیط دارد (Twigger, 1996). بنابراین، داوری افراد بر گزاره‌هایی برای ارزیابی و سنجش احساس تفاوت، تداوم، کارآمدی و حس خوشایندی که فرد در محیط یا از نسبت داده شدن به محیط یک محله مسکونی می‌کند، می‌تواند الگوی مناسبی برای ارزیابی "شخصیت مکان" باشد.

### ۳-۱-۲- دلبستگی به مکان

دلبستگی به مکان در محیط یک محله مسکونی، می‌تواند بازتابی از ارزیابی‌های عاطفی ساکنان، نسبت به آن محیط تلقی شود. بر خلاف فرضیات برخی پژوهش‌ها که دلبستگی به مکان را تنها محصول تعاملات اجتماعی در محیط قلمداد کرده‌اند، مطالعات متعددی اثبات می‌کنند که تعلق عاطفی به مکان می‌تواند نسبت به محیط فیزیکی و نیز محیط اجتماعی صورت پذیرد (Jorgensen, 2005) (Kyle, 2005). تا آنجا که برخی از مطالعات گزارش کرده‌اند که احساس تعلق به یک محیط فیزیکی حتی مستقل از

<sup>1</sup> Distinctiveness

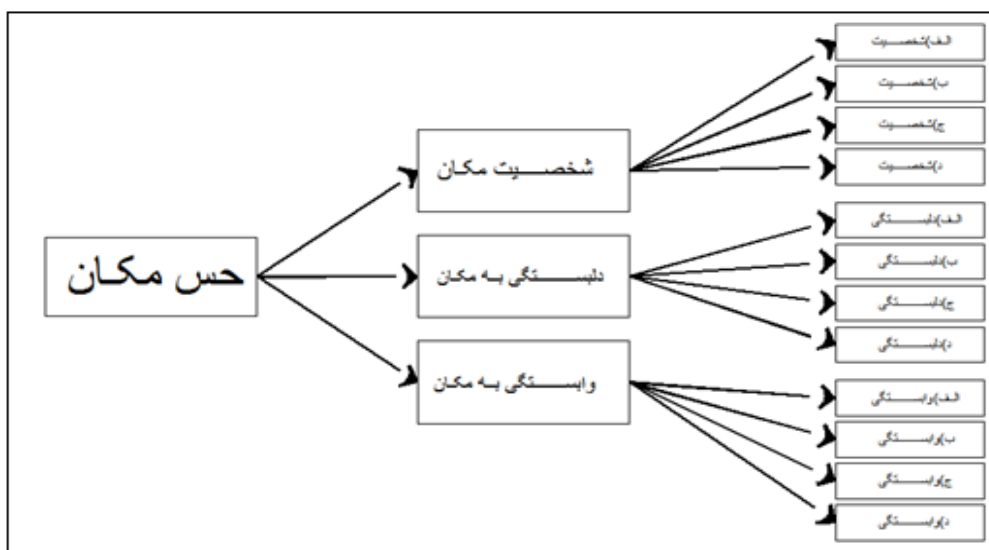
<sup>2</sup> Continuity

<sup>3</sup> Self esteem

<sup>4</sup> Self efficacy

مدل ارزیابی و سنجش حس مکان، متغیری از زمینه و بافت پژوهش و اهداف مطالعه است. اینکه مؤلفه های گروهی سه گانه حس مکان به عنوان ساخت هایی مستقل و به گونه ای سلسله مراتبی با مفهومی انتزاعی تر و در برگیرنده (به عنوان حس مکان) مرتبط باشند (دیاگرام شماره ۲)؛ هر چند در وهله نخست از لحاظ نظری قابل دفاع به نظر می رسد، اما هنوز آزمون ها و تحلیل های بیشتری برای اعتبارسنجی آن ضروری است.

خواهند آمد، برای هر مؤلفه چهار گزاره به ارزیابی و داوری گذاشته شده اند. ( این گزاره ها باید به دقت و در وضوح معنی طرح شوند. برای مثال گزاره "من عمیقاً به این محیط احساس تعلق می کنم"؛ علاوه بر ابهام، دارای حد قابل توجهی از همپوشانی و عدم تفکیک بین ابعاد عاطفی و شناختی نیز هست. در مقابل گزاره "وقتی برای مدتی طولانی از این محیط دور هستم، بسیار احساس دلتنگی می کنم"؛ تا حد قابل قبولی بازتابی از مفهوم مؤلفه دلبستگی به مکان (بعد عاطفی) است؛ و شفاف و قابل فهم به نظر می رسد.



شکل شماره ۲- ساختار سلسله مراتبی سنجش و ارزیابی حس مکان. مأخذ (Jorgensen, 2001)

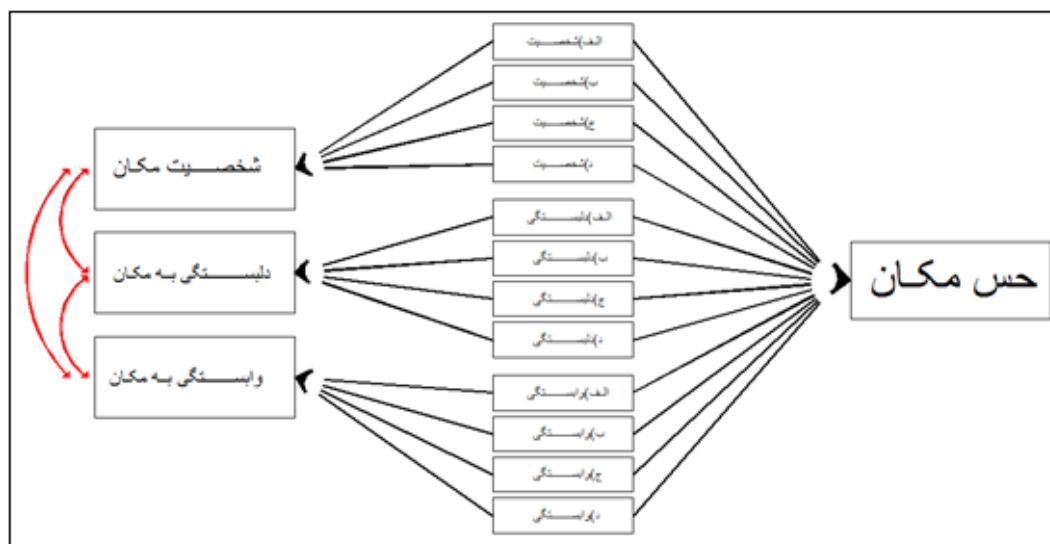
ارزیابی های مبتنی بر تئوری نگرش، اشاره دارند (Fishbein, 1975)، و با در نظر گرفتن جایگاه دلبستگی به مکان به عنوان مؤلفه متناظر با این بعد، به نظر می رسد ضرورت و کیفیت برقراری نوعی محدودیت در میزان تأثیر دو مؤلفه دیگر (شخصیت

این ضرورت با توجه به کیفیت یکسان اثرگذاری مؤلفه های سه گانه بر کلیت حس مکان مورد بحث است. تساوی اثر سه مؤلفه بر کلیت حس مکان از نظر بسیاری از پژوهشگران محل تردید است؛ و نظر داشت ها عموماً به نقش متمایز و پررنگ تر بعد عاطفی در

قابل ملاحظه در ارزیابی فرد از مؤلفه‌ها و ابعاد سه گانه حس مکان است. برای مثال، فرد می‌تواند در محیط محله مسکونی خود احساس هویت کند و ارزیابی بسیار مثبتی از شخصیت مکان داشته باشد و حتی به دلایلی نیز به مکان مورد بررسی احساس تعلق عاطفی عمیق داشته باشد؛ اما مجتمع یا محله مسکونی خود را فاقد ظرفیتها و امکانات کافی برای زندگی به همراه خانواده خود ببیند. بنابراین، احتمالاً ارزیابی متفاوتی از مؤلفه وابستگی به مکان خواهد داشت.

مکان و وابستگی به مکان) بر کلیت حس مکان می‌تواند بررسی و آزمون گردد.

از سویی دیگر، به نظر می‌رسد در محیط یک محله مسکونی شهری، لازم است که مؤلفه‌های حس مکان به عنوان ساختهای مستقل و مجزا مورد ارزیابی و سنجش قرار بگیرند؛ هرچند پتانسیل همبستگی بالا بین آنها نیز می‌تواند مورد بررسی باشد. طرح چنین مدلی برای ساختار سنجش حس مکان در بافت خاص مورد مطالعه، به سبب احتمال قوی تفاوت‌های



شکل شماره ۳- ساختار مدل گروهی و کلی سنجش حس مکان- اقتباس از (Jorgensen, 2001)

مؤلفه مستقل حس مکان تحلیل و بررسی می‌گردد اما این متغیرها تأثیرمستقل مستقیمی در ارزیابی و سنجش کلیت حس مکان نخواهند داشت.

در نتیجه، با آنکه کلیت حس مکان همچنان به عنوان نتیجه ارزیابی نگرشی کلی و مستقر بر ارزیابی‌ها از ابعاد سه گانه نگرش خواهد بود؛ اما تأثیر مستقل ابعاد و مؤلفه‌های گروهی در آن قابل تمایز نیست

در مدل ساختار سنجش پیش رو که با مقتضیات ارزیابی حس مکان ونیز ویژگی‌های محیط محله‌های مسکونی منطبق تر به نظر می‌رسد، بر خلاف مدل سلسله مراتبی ارزیابی و سنجش حس مکان (منعکس در دیاگرام شماره ۲)، سه مؤلفه حس مکان به عنوان ساخت‌ها و متغیرهای واسطه‌گر برای کلیت حس مکان عمل نمی‌کنند؛ و هرچند همبستگی بین سه

تک مؤلفه ای اشاره شده است (Churchill, 1979)؛ ایرادی که کمتر به ساختار مدل های چند مؤلفه ای ارزیابی حس مکان وارد است.

### ۳-۳- ادراکات ذهنی و ابعاد حس مکان محله های

#### مسکونی

حس مکان بیانگر ابعاد عاطفی، منطقی، نمادین و روحانی رابطه بین انسان و محیط، و دربرگیرنده نظامی پیچیده از ارتباطات درونی بین این ابعاد است؛ و شاید به علت همین پیچیدگی است که توافقی بر مفهوم و معنای کلی حس مکان و نیز شیوه ارزیابی آن در ادبیات این دانش به چشم نمی خورد (Jorgensen, 2006). عوامل مؤثر بر حس مکان را می توان مجموعه ای از ادراکات ذهنی زیبا شناسانه، عاطفی، تاریخی و مذهبی و از سویی عملکردها و فعالیتها و ویژگی های احساسی متناسب به یک مکان قلمداد کرد.

تأثیرات ذهن و ادراک، همچنین به نوعی مورد پشتیبانی طیفی از مطالعات دانش طراحی شهری نیز است. مطابق با این مطالعات، حس مکان زمانی در یک بافت شهری به تکامل می رسد که جهت یابی و شناسایی به عنوان دو عملکرد روانشناسانه به تحقق رسیده باشند. جهت یابی جایگاه شایسته ای در پژوهش های طراحی شهری یافته است. کوین لینچ با تعریف مفاهیمی چون گره، راه، لبه، نشانه و محله به عنوان عوامل اساسی ساختار فیزیکی که جهت یابی را ممکن و تسهیل می کنند؛ نقش مهمی در شرح نظری

(دیاگرام شماره ۳). از این رو که در چنین ساختاری متغیرهای گروهی و نیز متغیر کلی حس مکان به طور جداگانه مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرند، این مدل را می توان مدل کلی و گروهی ارزیابی حس مکان نامید.

چند بعدی بودن ارزیابی حس مکان، اشاره ای به ماهیت چند بعدی است که ارتباطات انسان-مکان را شکل می بخشد. هر بعد حس مکان مخاطب وجهی از "نگرش" آدمی به مکان است. از این رو، برای مطالعات ارزیابی حس مکان نمی توان و نباید تنها به ویژگیهای فیزیکی و یا فعالیتهای واقع شده در محیط اکتفا کرد. تعاریفی که از مکان به عنوان محصول تعاملات ساختار فیزیکی، فعالیتهای اجتماعی و ادراکات ارائه شد نیز، دیدگاههای چند مؤلفه ای ارزیابی حس مکان را تأیید می کند.

علاوه بر مبانی تئوری اتکا به مدل های سنجش چند بعدی حس مکان، قیاس آنها با ساختارهای ارزیابی تک بعدی نیز رجحان ساختارهای چند مؤلفه ای را مشخص می سازند. از جمله، یکی از ضعف های ساختارهای تک بعدی در احتمال بالای همبستگی ضعیف با ترجیحات رفتاری است؛ در حالی که در مدل های چند بعدی، با تفکیک ابعاد حس مکان، همبستگی بین مؤلفه ها و ویژگی ها و ترجیحات رفتاری به نحو مشخص تری و در کنار هم قابل بررسی هستند. از نقاط ضعف دیگر مدل های ارزیابی تک بعدی در مقابل ساختارهای چند مؤلفه ای، به احتمال بسیار بالای خطا و دسته بندی کم دقت جامعه آماری در گروه های کم تعداد در ساختارهای

و ارائه تعبیر علمی از آن ایفا کرده است. از سویی دیگر، شناسایی نیز به الفت و مرتبه ای بالاتر از شناخت محیط اشاره می کند که ارتباطات وثیقی با روح و احساس افراد دارد (پرتوی، ۱۳۸۲). بر این اساس، با توجه به ریشه دار بودن این دو عملکرد روانی در تصورات ذهنی، "حس مکان" را می توان مستقیماً تابعی از درک و تصورات و ارزیابی های ذهن انسان از محیط معرفی کرد و نقش و تأثیر ادراکات و تصورات ذهنی را در کنار ویژگی های فردی بر ابعاد حس مکان مورد بحث قرار داد.

البته، باید توجه داشت که ادراکات و تصورات ذهنی نیز خود به خود شکل نمی گیرند؛ و خود محصول شرایط و مؤلفه های محیطی هستند. برای نمونه، احتمالاً با برنامه ریزی و طراحی گره و مرکز در بافتهای محلات مسکونی، ایجاد مکان هایی جذاب و دلپذیر برای همشینی و تعبیه مکان های اجتماعی نظیر چایخانه و مراکز تجمع محله ای، می توان انتظار داشت ساکنان محله تعاملات جمعی بیشتر و در نتیجه درک مطلوبتری از محیط اجتماعی محله خود داشته باشند. با این همه، ادراک و تصورات ذهنی فارغ از اسباب و عوامل شکل گیری، مستقیماً بر ابعاد حس مکان مؤثر خواهند بود.

کرسول به عنوان محققی مطرح در حوزه جغرافیای فرهنگی و انسانی، پنج تعبیر از مکان مطرح می کند: او مکان را به مثابه یک قرارگاه فیزیکی، یک قرارگاه اجتماعی و نیز ماهیتی قابل فهم از حیث رابطه ای مفهومی و معنایی تعبیر می کند (Creswell,

2004:6-7) و در کنار آنها به تعبیر فضا به عنوان جدا ساز هایی فاقد معنا و نیز مناظر به عنوان دیدگاه ها و نه مکانهایی برای بودن اشاره دارد (Creswell, 2004: 10-11). برداشتها از محیط محله های مسکونی شهری به مثابه مکان هایی بالقوه، بر اساس دسته بندی کرسول در سه تعبیر نخست مکانی (مکان فیزیکی، مکان اجتماعی و مکان معنوی) مبنای دسته بندی در بحث تأثیر پذیری ابعاد حس مکان خواهد بود.

باتفکیک محیط محله های مسکونی شهری به قرارگاههای های فیزیکی و اجتماعی می توان تصورات ذهنی و ادراکی افراد نسبت به هر دو حوزه را مورد دقت قرار داد. در کنار مطالعه و بررسی این دو حوزه، لازم است تصورات ذهنی نسبت به تداعی معانی سمبلیک و خاطرات نیز مورد توجه قرار بگیرند. به این ترتیب، تنوعی از ادراکات و تصورات ذهنی را به عنوان اساسی ترین اثرگذار ها بر ابعاد حس مکان بررسی می کنیم.

۳-۳-۱- ادراک و تصورات ذهنی از کالبد فیزیکی محله

با آنکه مطالعات محیطی در ابتدا تحت تأثیر رویکردهای صرفاً روان شناسانه تنها بر دانش و باور و شناخت متمرکز بودند، و به ابعاد و ماهیت خود محیط فیزیکی توجه خاصی نداشتند؛ اما مطالعات بعدی با تعریف و تبیین مفاهیمی چون فضای شخصی، ازدحام، مکان های مقدس و مانند آنها ویژگی های کالبدی و ابعاد محیط را نیز در مطالعات وارد کردند.

کرده اند تا به ماهیت فیزیکی مکان (Low, 1992). هرچند برخی از مطالعات در صفت انحصاری و حتی تفضیلی نقش تعاملات اجتماعی در ایجاد و تقویت حس مکان و تعلق به مکان تشکیک کرده اند؛ اما صرف اهمیت وافر روابط اجتماعی در شکل گیری و بسط حس مکان که در قریب به اتفاق مطالعات مکانی منعکس شده، سبب تثبیت تصورات ذهنی از محیط اجتماعی بر ابعاد حس مکان به مثابه یک اثرگذاری مهم در مدل تأثیر سنجی ابعاد حس مکان است.

ملیگان دو مفهوم در فرآیند ارتباطات اجتماعی را مطرح و تعریف می کند. تعاملات گذشته و قابلیت تعاملی. نخستین تعبیری از تجربه های اجتماعی قبلی در محیط و اشاره ای ضمنی به خاطرات است؛ و قابلیت تعاملی به ویژگی هایی ناظر است که محیط برای ایجاد و تقویت و تحت تأثیر قرار دادن تعاملات جمعی ایجاد می کند (Milligan, 1998). ادراک و تصورات ذهنی از محیط اجتماعی، تمایل به تعاملات اجتماعی و مشارکت در تصمیم گیری ها و فعالیتهای جمعی در کنار تصور ذهنی از شأن اجتماعی ساکنان محله می توانند در راستای نتایج پژوهش مورد اشاره، به عنوان شاخص های ارزیابی ادراک و تصور ذهنی شهروندان از محیط اجتماعی محله سکونتشان مطرح شوند.

۳-۳-۳- ادراک و تصور ذهنی از محله به مثابه تداعی کننده معنا

فریتز استیل به خصوصیات مانند تاریخ، تخیل، توهم، رمز و راز، شگفتی، شور و خاطره به مثابه اسباب ایجاد رابطه متمرکز با مکان ها یاد می کند

فریتز استیل عوامل کالبدی تأثیرگذار در ادراک و حس مکان را اندازه، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری معرفی می کند (فلاح، ۱۳۸۵). از سوی دیگر حداقل دو مورد از چهار کیفیتی که P. P. S (مؤسسه معتبر پژوهشی پروژه فضاهای عمومی)<sup>۱</sup> برای مکانهای موفق ذکر می کند، مستقیماً به کیفیت طرح و کالبد فیزیکی اشاره دارند. این موارد به دسترسی و نفوذپذیری و نیز راحتی و تصویر کالبد فیزیکی می پردازند.

با تکیه بر آن پژوهش ها و با دقت در بافت محله های مسکونی، شاخص های ادراک ذهنی شهروندان از کالبد و محیط فیزیکی محلات مسکونی شهری را به عنوان یکی از مؤلفه های مؤثر بر حس مکان شهروندان مطرح می کنیم. با توجه به بافت فیزیکی نوع محله های مسکونی شهری شاخص های ارزیابی ادراکی از کالبد فیزیکی می توانند بر کیفیت ادراک شهروندان از جذابیت منظر شهری و طبیعی، مبلمان شهری، نظافت و تمیزی، دسترسی به خدمات شهری و محله ای، و نیز دسترسی به حمل و نقل عمومی باشد.

۳-۳-۲- ادراک و تصورات ذهنی از محیط اجتماعی محله

مکانها گاهی به عنوان ظرف و بستر ارتباطات اجتماعی و فرهنگی قلمداد شده اند، تا آنجا که برخی مطالعات تعلق به مکان را بیشتر به آن ارتباطها منتسب

<sup>۱</sup> (Project for public spaces)

محیط فیزیکی و اجتماعی و تداعی‌های معنایی پیرامون خود دارند. این تصورات نقش مستقیمی بر ابعاد حس مکان می‌گذارند. مشخصات و ویژگی‌های انسانی و جمعیتی در دسته‌های مختلفی قابل بررسی هستند.

ویژگی‌های فردی در مطالعات گوناگون حس مکان به عنوان متغیرهای دموگرافیک و تعدیل‌کننده مورد بررسی بوده‌اند. در برخی از این مطالعات تأثیر سن افراد بر روابط انسان و مکان مورد توجه خاص تری قرار گرفته‌اند (Cuba, 1993). افراد جوانتر احتمالاً تصورات و ادراک متفاوتی با افراد میانسال و مسن نسبت به محیط اجتماعی و فیزیکی محله و مجتمع زیستی خود دارند. برای مثال، ارزیابی‌های نگرشی جوانان زیر ۳۰ سال می‌تواند تحت تأثیر پیوند با گروه‌های غیر رسمی همسالان در محیط قرار گرفته باشد. از سطح تحصیلات، شغل و جنسیت نیز می‌توان به عنوان دیگر ویژگی‌های فردی مؤثر بر کیفیت تصورات و ادراکات ذهنی و در نتیجه ابعاد حس مکان نام برد.

مدت اقامت نیز می‌تواند به عنوان یکی از متغیرهای مؤثر مورد بحث باشد. برخی پژوهش‌ها تأثیرگذاری معنی‌دار مستقیمی از طول تجربه (مدت اقامت) در محیط را بر تمایل به ایجاد و بسط روابط اجتماعی و حس تعلق به مکان گزارش کرده‌اند (Tuan, 1997) و (Relph, 1996). هرچند این گزارش‌ها در تناقض با نتایج برخی دیگر مطالعات است که تأثیر معنی‌دار مدت اقامت در محیط بر حس مکان را مورد تردید قرار داده‌اند (Stedman, 2002)؛ طول

(فلاح، ۱۳۸۵). رلف نیز تصورات ذهنی را مؤثرترین عامل هویت مکان می‌شناسد و معتقد است: "تا زمانی که معنای مکان‌ها [تنها] در ساختار فیزیکی و فعالیت‌هایی که در آن رخ می‌دهد جستجو شود، چیزی یافت نمی‌شود؛ بلکه باید معنا را در تصویرهای ذهنی و تجربه‌های انسان‌ها از مکان جستجو کرد." (حبیبی، ۱۳۸۷)

بر این اساس، ادراک و تصورات ذهنی از پیوندهای معنایی با محیط محله مسکونی می‌تواند با شاخص‌های تداعی خاطرات گذشته و نیز تداعی معنایی سمبلیک فرهنگی و مذهبی ارزیابی گردد. این شاخص‌ها اشاره به ارتباطات نمادین و کیفیت‌های معنایی دارد که شهروندان به محیط محله سکونت خود منتسب می‌کنند. خوانایی نمادها و حال و هوای دلخواه فرهنگی و یا مذهبی در محیط محله، درک تعلقات روایی و تبارشناسانه، یادآوری خاطرات خوشایند، درک و انتساب اهمیت‌های نمادین به مکان می‌تواند معیارهای ارزیابی این شاخص‌ها در محله‌های مسکونی شهری باشند.

### ۳-۴- ویژگی‌های انسانی و جمعیتی و حس مکان

اثرگذاری ویژگی‌های انسانی بر حس مکان با واسطه ادراکات و تصورات ذهنی (از کالبد فیزیکی، محیط اجتماعی و تداعی معنایی) در محیط محله‌های مسکونی است. به تعبیری روشنتری به احتمال قوی، شهروندان در گروه‌های سنی متفاوت، و با جنسیت و تحصیلات و مشاغل و مدت‌های اقامت مختلف در محیط محله مسکونی، تصورات ذهنی متنوعی از



## ۴- نتیجه گیری

عوامل مؤثر بر ابعاد حس مکان مطابق جدول ذیل به دو بخش تأثیرگذاری های مستقیم (کیفیت ادراک و تصورات ذهنی) و تأثیرات غیر مستقیم (مشخصات انسانی و جمعیتی) دسته بندی شده اند. در جدول ذیل ادراک و تصورات ذهنی از کالبد فیزیکی، محیط اجتماعی و تداعی های معنایی به عنوان سه مؤلفه عوامل ادراکی مؤثر بر ابعاد حس مکان در محله های مسکونی مورد اشاره قرار گرفته اند. علاوه بر آن شاخص ها و معیارهای ارزیابی هر بخش و مؤلفه نیز به تفکیک پیشنهاد شده اند.

تجربه یا مدت اقامت در محیط می تواند به عنوان عاملی با تأثیر بخشی غیر مستقیم بر ابعاد حس مکان مورد آزمون باشد.

نقش مالکیت یا اجاره مسکن در محیط یک محله مسکونی نیز می تواند به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ادراک ذهنی و تصورات شهروندان از ابعاد محیط بررسی گردد. این فرض بر پژوهش هایی مستقر است که مالکیت را زیر عنوان ارتباط اقتصادی، به مثابه یکی از شش طریق ایجاد رابطه سمبلیک بین انسان و مکان گزارش کرده اند (Low, 1992).

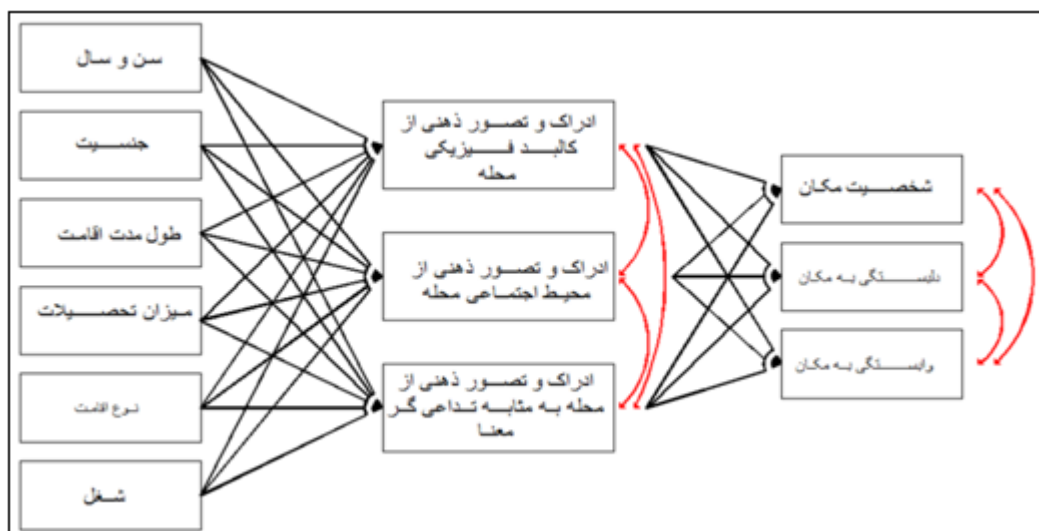
جدول عوامل ادراکی و ویژگی های فردی مؤثر بر ابعاد حس مکان.

مفهوم	تأثیر	عوامل	شاخص ها	معیار ها		
عوامل فردی و ادراکی مؤثر بر ابعاد حس مکان	تأثیر گذاری مستقیم	ادراکات و تصورات ذهنی در محیط محله های مسکونی	کالبد فیزیکی محله مسکونی	تناسب، مقیاس، فضای سبز، نظافت، جذابیت، خوانایی، راه، لبه، گره، ترافیک، میلمان شهری، بهداشت، نمای ساختمان ها، سیمای کوچه و خیابان-آدرس پذیری، نفوذ پذیری-دسترسی به خدمات شهری و محله ای-منظر شهری-منظر طبیعی		
				محیط اجتماعی	تمایل به تعاملات اجتماعی	روابط دوستانه، آرامش، اطمینان و شناخت، همکاری های اهالی- شورا و مشورت های جمعی-شناخت غریبه در محله- نشاط جمعی، سر زندگی، امنیت
					تمایل به مشارکت در فعالیتهای جمعی	
					شان اجتماعی ساکنان محله	
		تداعی کننده معنا	تداعی	تداعی خاطرات گذشته	خوانایی نماد های فرهنگی، خوانایی نمادهای مذهبی، درک تعلقات روایی و تبار شناسانه، یادآوری خاطرات خوشایند، انتساب اهمیت به مکان	
				تداعی معانی سمبلیک فرهنگی		
	تأثیر گذاری غیر مستقیم	مشخصات جمعیتی شهروندان	سن و سال	کودک، نوجوان، جوان، میانسال، مسن		
			جنسیت	زن، مرد		
			تحصیلات	بی سواد، ابتدایی، سیکل، متوسطه، دانشگاهی، تحصیلات تکمیلی		
			مدت اقامت	زیر یک سال، زیر ۴ سال، زیر ۷ سال، ۱۰ سال و بیشتر		
			نوع اقامت	مالک، مستأجر		
			شغل	داخل محله- بیرون از محله		

(مأخذ: نگارنده)

مکان، نمایش پیکانها در یک سوی خطوط، بیانگر رابطه اثربخشی و در دو سوی منحنی‌ها بیانگر پتانسیل همبستگی است. بررسی جداگانه ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های حس مکان و نیز ادراکات ذهنی مؤثر بر حس مکان هر کدام می‌تواند به عنوان تعبیری از گسست یا همگرایی بین مؤلفه‌های آنها تلقی شود.

مدل تحلیلی مستقر بر نتایج این مقاله نیز، در مدل تحلیلی پیش رو (دیاگرام شماره ۴) مطرح شده است. این مدل تحلیلی بر اثر گذاری مستقیم کیفیت ادراکات و تصورات ذهنی شهروندان بر ابعاد مؤلفه‌های حس مکان مستقر است. نتایج مطالعات اکتشافی آینده، کیفیت و حدود تأثیر هر کدام از عوامل ادراکی بر این مؤلفه‌ها در محیطهای مختلف را مشخص خواهند کرد. در دیاگرام مدل تحلیلی تأثیرات بر ابعاد حس



شکل شماره ۴- مدل تحلیلی تأثیرپذیری ابعاد حس مکان

به تبیین ماهیتی چند بعدی و چند مؤلفه‌ای برای حس مکان پرداخته‌اند. برای مطالعات ارزیابی حس مکان در بافت‌های شهری می‌توان از ارزیابی نگرشی مستقر بر تفکیک ابعاد حس مکان بهره برد. این مطالعات همچنین می‌توانند روابط هر بعد حس مکان با ترجیحات رفتاری شهروندان را مورد مطالعه قرار دهند. پژوهش‌های آینده همراستا با این مطالعه، این امکان را نیز خواهند داشت تا بر اساس جدول عوامل ادراکی و انسانی مؤثر بر ابعاد حس مکان به کیفیت سنجی، تأثیرات هر

در این مدل تحلیلی، متغیرهای مستقل (ویژگی‌های فردی) با تحت تأثیر قرار دادن متغیرهای واسطه‌گر (ادراکات ذهنی)، واجد تأثیرات غیر مستقیم بر متغیرهای وابسته (ابعاد حس مکان) هستند. تنها متغیرهای واسطه‌گری حامل این اثرگذاری در محیط مطالعه خواهند بود که تأثیر معناداری بر متغیرهای وابسته داشته باشند. تفاوت‌های قابل پیش‌بینی در کیفیت‌های اثرگذاری متفاوت هر دسته از عوامل ادراکی بر ابعاد مختلف حس مکان، در مطالعات مورد پژوهی آتی می‌تواند مؤیدعینی پژوهش‌هایی باشد که

- Brocato, Elisabeth Deanne, 2007. Place Attachment: An Investigation Of Environments And Outcomes In a Service Context, a Doctoral thesis in Washington Ubiversity. Available in: <http://hdl.handle.net/10106/244>.
- Burdge, R. J. , Ludtke, R. L. , 1972. Social separation among displaced rural families: the case of flood control reservoirs. Social Behavior, Natural Resources, and the Environment. Harper & Row, New York.
- Canter, D. V. (1977), The Psychology of Place, Architectural Press, London.
- Chawla, L. (1992). Childhood Place Attachments. , Place Attachment. New York: Plenum Press.
- Churchill, Gilbert A. ,(1979), A paradigm for developing better measures of marketing constructs, Journal of Marketing Research, 16.
- Creswell, Tim. (2004), Place: A Short Introduction. Malden, Mass
- Cuba, L. , Hummon, D. M. , (1993). A place to call home: identification with dwelling, community and region. Sociological Quarterly 34.
- Fishbein, M. and L. Ajzen (1975). Belief, Attitude, Intention and Behavior: An Introduction to Theory and Research. London, Addison-Wesley.
- Fisher, Karen E. , et al. (2007). Seattle Public Library as place: Reconceptualizing space, community, and information at the central library. John E. Buschman and Gloria J. Leckie (Eds. ). The Library as place. Available at: [http://ibec.ischool.washington.edu/pubs/Fisher\\_2007\\_Library as Place](http://ibec.ischool.washington.edu/pubs/Fisher_2007_Library as Place)
- Hidalgo, M. C. and B. Hernandez,(2001). Place Attachment: Conceptual and Empirical questions. Journal of Environmental Psychology, 21.
- Jorgensen, B. S. , Stedman, R. ,( 2001). Sense of place as an attitude: lakeshore property owners' attitudes toward their properties. Journal of Environmental Psychology,
- Jorgensen, B. S. , & Stedman, R. C. (2006). A comparative analysis of predictors of sense of place dimensions. Journal of Environmental Management, 79.
- Kyle, G. , A. Graefe, R. Manning and J. Bacon (2004). Effects of place attachment on users' perceptions of social and environmental

بعد از مؤلفه های حس مکان از عوامل ذهنی در بافتهای های مسکونی بپردازند.

#### ۵- پیشنهادها

برای مطالعات آینده متدولوژی عینی و تحلیلی مبتنی بر ارزیابی ها و سنجش های کمی برآمده از روشهای پیمایشی گرد آوری داده ها پیشنهاد می شود. مدل ارزیابی نگرشی ابعاد حس مکان همین طور قابلیت اتکا در مطالعات تطبیقی ابعاد حس مکان در بافتهای مختلف محله های مسکونی و مجتمع های زیستی را فراهم می کنند. پژوهشهایی که می توانند به مطالعات تطبیقی در ارتباط سنجی ابعاد حس مکان با رفتارهای شهروندان در محیط مجتمع های زیستی و بافتهای محله ای مختلف شهر نیز بپردازند.

#### منابع

- ایروانی، محمود و خداپناهی، محمدکریم. (۱۳۸۱). روان شناسی احساس و ادراک، تهران، سمت، چاپ یازدهم.
- پرتوی، پروین. (۱۳۸۲). «مکان و بی مکانی رویکردی پدیدارشناسانه»، نشریه هنر های زیبا، ش ۱۴، تهران.
- حبیبی، رعنا سادات. (۱۳۸۷). «تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان»، نشریه هنرهای زیبا، ش ۳۵، تهران.
- فلاحت، محمد صادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنر های زیبا، ش ۲۶، تهران.
- . (۱۳۸۴). «نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد»، نشریه هنرهای زیبا، ش ۲۲، تهران.
- Breakwell, G. M. , (1992). Processes of Self-evaluation: Efficacy and Estrangement. Surrey University Press.

- conditions in a natural setting. *Journal of Environmental Psychology* 24
- Kyle, G. , A. Graefe and R. Manning, (2005). Testing the Dimensionality of Place Attachment in Recreational Settings. *Environment & Behavior* 37
  - Lalli, M. (1992). Urban-related identity: Theory, measurement, and empirical findings. *Journal of Environmental Psychology*, 12
  - Low, S. M. and I. Altman (1992). Place attachment: A conceptual inquiry. *Human Behavior & Environment: Advances in Theory & Research* 12
  - Milligan, M. J. (1998). Interactional past and potential: The social construction of place attachment. *Symbolic Interaction* 21.
  - Oldenburg, Ray. *The Great Good Place: Cafes, Coffee Shops, Bookstores, Bars, Hair Salons, and other Hangouts at the Heart of a Community*. New York: Marlowe.
  - Proshansky, H. M. , Fabian, A. K. , Kaminoff, R. , 1983. Place-identity: physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*
  - Proshansky, H. , (1978). The City and Self-Identity. *Environment and Behavior*. 10.
  - Relph, E. , 1976. *Place and Placelessness*. Pion, London.
  - Shamai, S. , 1991. Sense of place: an empirical measurement. *Geoforum* 22.
  - Stedman, R. C. (2002). Toward a social psychology of place: Predicting behavior from place-based cognitions, attitude, and identity. *Environment & Behavior*, 34.
  - Tuan, Y. F. (1977). *Space and place: The perspective of experience*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
  - . Twigger-Ross, C & D. Uzzell, (1996). Place and Identity Processes. *Journal of Environmental Psychology* 16
  - Uzzell, D. , Pol, E. , Badenas, D. , 2002. Place identification, Social Cohesion, and Environmental Sustainability. *ENVIRONMENT AND BEHAVIOR*, Vol. 343
  - Williams, D. R. , Roggenbuck, J. W. 1989. Measuring place attachment: some preliminary results. Paper presented at the NRPA Symposium on Leisure Research, Texas, October 20–22.